

عبادات زوجه

امیرحسین مینائی فر*

چکیده

عقد ازدواج حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر به وجود می‌آورد و آنان را نسبت به تامین برخی نیازهای یکدیگر شرعا متعهد می‌سازد. ازدواج همچنین سبب می‌شود، طرفین اهداف و منافع مشترکی پیدا کنند، به طوری که نوع رفتار و شیوه عمل هر کدام، مشاغلی که انتخاب می‌کنند و اقدامات و فعالیت‌های آنان در مصالح و منافع دیگری تاثیر می‌گذارد. همزیستی و وحدت مکانی زوجین بسیاری از امور آنان را به هم مرتبط می‌سازد و مجموعه‌ای از روبرو و داد و ستدها و کنش‌ها و واکنش‌ها را میان آنان پدید می‌آورد که اگر اراده طرف در پی جویی آن، متعارض و ناهمخوان باشد، به اختلال در تحقق اهداف و مصالح مشترک و یا تامین نیازها و انجام تکالیف و عمل به حقوق متقابل می‌انجامد؛ بنابراین به ضرورت عقل، یکی از آثار ازدواج لزوم هماهنگی زوجین و وحدت آنان در اراده و عمل است. یکی از شئون زندگی زوجه عبادات آن است.

در پژوهش حاضر سعی شده است به بررسی عبادات زوجه پرداخته شود تا بتوان نگاه دقیق‌تری نسبت به این مسئله پیدا کنیم.

واژگان کلیدی:

تکالیف و جویی زن، قاعده عبادات زن، تکالیف استحبابی، روزه زن، حج زوجه

* طلبه پایه ششم مدرسه شهیدین (ره)



مقدمه

خانواده رکن اصلی جامعه و پایه تربیت فرد و جامعه است. بنیان خانواده بر پیوند زناشویی بین زن و مرد استوار است. قرآن کریم پایه پیوند زناشویی را در سرشت انسان اعلام کرده، آن را از آیات الهی دانسته است:

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۲

جان مایه پیوند بین همسران در این آیه شریفه «مودت و رحمت» دانسته شده است. دعوت به تفکر در پایان آیه شریفه، طبعاً این جان مایه را هم شامل می‌شود که باید مورد تدبیر قرار گیرد و راهنمایی‌های لازم از آن گرفته شود.

رابطه بین زن و شوهر مانند هر رابطه انسانی دیگری نیازمند تنظیم و تدوین قوانین و احکامی است که طی آن حقوق، وظایف، اختیارات و صلاحیت‌های هر طرف روشن گردد؛ اما اهمیت، حساسیت و اثرگذاری فوق‌العاده این رابطه نسبت به فرد و جامعه بشری از بدو تولد تا پایان زندگی در ابعاد مختلف آن، باعث می‌شود قانون‌گذار یا شارع مقدس به زوایای مختلف، متعدد و ریز و درشت این رابطه توجه کند و احیاناً قوانین و احکام حجیم و گسترده‌ای را برای آن پیش‌بینی کند.

یکی از موضوعاتی که باید در این حوزه مشخص شود عبادات زوجه است ما ابتدا به قاعده در عبادات زوجه خواهیم پرداخت و بعد با استفاده از منابع موجود به بررسی نصوص خاصه در عبادات می‌پردازیم.

۲. روم: ۲۱

ترجمه: و از آیات اوست که برای شما، از نوع خودتان، همسر آفرید تا به سوی او آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی نهاد. همانا در این امر برای کسانی که تفکر می‌کنند، آیاتی وجود دارد.



قاعده در عبادات زوجه

الف) عبادات الزامی

عبادات بر دو قسم است: وجوبی و استحبابی. عبادات وجوبی متعلق به خداوند و حق اوست و هیچ کس نمی‌تواند مانع انجام آن از سوی مکلف شود، چه به صورت تکوینی و خارجی باشد مانند حبس کردن و ممانعت از سفر و چه اینکه با امر و نهی بر اراده و اختیار شخص تاثیر بگذارد، این اصلی است که در غیر عبادات و در همه واجبات و محرمات جاری است و بر همه قراردادها و روابط حقوقی از جمله رابطه زناشویی حاکم است؛ زیرا خداوند متعال - که اعتبار و نفوذ هر قرارداد و حقی، تابع اراده و اعتبار اوست و او اصل هر حق و منشاء آن است - با جعل واجبات و محرمات، سلطه تشریحی مکلفان را بر اراده و افعال خود، محدود کرده است و با اعمال ولایت خود اختیار آنان را سلب نموده است؛ بنابراین هیچ الزام و مطالبه‌ای بر خلاف آن نافذ نیست.^۳

با این توضیح روشن می‌شود که اطلاق ادله‌ای چون «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»^۴ و «بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۵ و «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۶ هیچ گونه منافاتی با ادله‌ای چون «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ»^۷ و «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»^۸ و «لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ

۳. این بیان مطابق نظریه محقق نائینی است که امر و نهی شرعی را موجب خروج متعلق آن دو از سلطنت و قدرت مکلف در عالم تشریح می‌داند و مانع تشریحی را مانند مانع عقلی می‌شمارد (ر.ک به: محمد علی کاظمی خراسانی، *فرائد الاصول (تقریرات درس اصول محقق نائینی)*، ج ۱ و ۲، ص ۴۷۲). البته این نظریه مخالفانی نیز دارد (ر.ک به: سید عبد الصاحب حکمی، *متنهی الاصول، (تقریرات اصول سید محمد روحانی)*، ج ۳، ص ۲۰۲)

۴. مائده: ۱

۵. بقره: ۸۳

۶. نساء: ۳۴

۷. مزمل: ۲۰



إِلَيْهِ سَبِيلًا»^۹ ندارد و منشاء تزاحم واجبات نمی‌شوند؛ زیرا مدلول آن ادله بر اساس فهم عرف مورد خطاب، مقید به اموری است که شخص در آن بر خود قدرت و ولایت دارد و این ادله ولایت مکلف را در مواردی سلب کرده است و در نظر متشرعه مکلفان در افعال واجب و حرام الهی سلطه‌ای بر خود ندارند و در نظر آنان اصلا اطلاقی برای ادله گروه اول نسبت به موارد تنافی با واجبات و محرمات وجود ندارد؛ البته اگر این بیان را نپذیریم و ایجاب و تحریم را موجب سلب قدرت مکلف ندانیم و ادله نفوذ عقود یا لزوم اطاعت دیگری در برخی موارد را مطلق بدانیم، می‌توان با ادله و روایاتی که اطاعت مخلوق را در صورتی که منجر به معصیت خالق شود، نامشروع می‌شمارد،^{۱۰} این مطلقات را تقیید زد و نتیجه آن است که اطاعت در موارد تنافی با حقوق الهی و واجبات و محرمات جایز نمی‌باشد.

اقسام تکالیف و عبادات وجوبی زن

تکالیف وجوبی به عینی و کفایی، تعیینی و تخییری، موسع و مضیق تقسیم می‌شوند. در واجبات عینی و تعیینی و مضیق تمام اختیار مکلف و قدرت انتخاب او سلب شده است؛ اما در واجبات کفایی گاه اصل وجوب مرتفع می‌شود و در واجبات تخییری مثل روزه کفاره‌ای، حق مراجعه به بدل و انجام کار دیگر مانند اطعام مسکین وجود دارد. در واجب موسع نیز زمان در اختیار مکلف است و مبادرت به عمل در اولین فرصت لزومی ندارد.

در واجب کفایی در صورت انجام تکلیف توسط دیگران و سقوط آن از زوجه، حقوق شوهر و اطاعت او مزاحمی ندارد و لازم است مراعات شود و در واجب

۸. بقره: ۱۸۵

۹. آل عمران: ۹۷

۱۰. ر.ک به: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۵۲ و ج ۱۵، ص ۱۷۳ و ج ۲۷، ص ۱۳۰



تخیر در صورت امکان عمل به بدل، نهی زوج در موارد حق خود نافذ است؛ مثلاً می‌تواند از روزه کفاره‌ای نهی کند تا زن حق وجوبی او را ادا کند. در واجب موسع نیز که تاخیر آن جایز است یا نحوه انجام واجب یا مکان آن اختیاری است (گرچه گاه مستحب است)، برای زوج حق مطالبه حقوق خود و اعمال قوامیت در حدود مشروع وجود دارد، مگر آنکه وقت واجب تنگ شود یا فقط مکان و یا کیفیتی خاص مقدور باشد.^{۱۱}

بنابر این زوج می‌تواند در اول وقت نماز مطالبه استمتاع کند و زوجه نمی‌تواند عذر بیاورد، مگر در آخر وقت. همچنین زوج می‌تواند از سفر حج واجب زوجه با اولین کاروان‌ها نهی کند، نه آخرین آنها^{۱۲} یا می‌تواند از او بخواهد با هواپیما سفر کند، نه با کشتی یا می‌تواند از او بخواهد به فلان مسجد نرود یا در حضور نامحرم نماز نخواند.

درباره واجب موسع و نظیر آن، این اشکال مطرح می‌شود که اصل عمل متعلق حق الهی است و زوج نمی‌تواند در انجام آن مزاحمت ایجاد کند و مطالبه منافی داشته باشد. تعیین فرد خاصی از واجب و انجام آن در یکی از زمان‌ها یا به کیفیتی خاص نیز شرعاً به اختیار مکلف واگذار شده است و این آزادی و حق انتخاب برای اوست؛ بنابراین زوج در این مورد مانند واجب مضیق حقی ندارد و اصل عدم سلطنت او بر زوجه در این مورد است.^{۱۳}

پاسخ این اشکال این است که سعه و حق انتخاب فقط نسبت به همین عمل و در قبال خداوند متعال است، نه نسبت به اعمال دیگری که متعلق تکلیف الزامی دیگر است یا متعلق حق واجب شرعی دیگران است؛ مثلاً اگر در اول وقت نماز، واجب

۱۱. ر.ک به: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۴۵۱

۱۲. ر.ک به: سید محمد کاظم طباطبایی، العروه الوثقی، ج ۴، ص ۴۵۱

۱۳. ر.ک به: محمد بن علی عاملی، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۷، ص ۹۲



دیگری که مضیق است (حتی غیر اهم از نماز) پیش آید، ترک آن و مبادرت به نماز جایز نیست یا اگر طلبکار طلب خود را می‌خواهد یا پدر و مادر درخواستی دارد و یا شوهر امر و نهی می‌کند، مخالفت کردن و مبادرت به واجب مذکور مشروع نیست. سر مطلب آن است که اختیار تعیین فرد واجب به دست زوجه است و او بر آن سلطه دارد و شارع در موارد سلطه زوج بر زوجه و پدر بر فرزند و مانند آن، ادای حق زوج یا پدر و اطاعت آنان را واجب کرده است و این سلطه تعیین و تطبیق واجب الهی را از زوجه و فرزند سلب کرده است. ولی اصل واجب در سلطه زوجه و فرزند نیست و دیگران هم در آن حقی پیدا نمی‌کنند. خلاصه آن که اطلاق دلیل واجب مضیق و حق زوجه و فرزند شامل هر یک از تطبیقات و مصادیق انتخابی واجب موسع می‌شود و دلیل واجب موسع نمی‌تواند آن را مقید سازد؛ چون بر وجوب طبیعی و اصل عمل دلالت می‌کند، نه وجوب مصادیق واجب و خصوصیات فردی؛ بلکه در صورت تعذر دیگر افراد و انحصار واجب در یک مصداق، دیگر سلطه و موضوعی برای زوجه و فرزند باقی نمی‌ماند و در نتیجه موضوعی برای حق زوج و پدر محقق نیست.

به بیان بعضی از اصولیان بین واجب موسع و مضیق تراحمی پیش نمی‌آید؛ زیرا مکلف قادر است هر دو تکلیف را امتثال کند و عقل حکم می‌کند تقدیم مضیق لازم است تا هر دو تکلیف انجام شود؛ اما اگر مکلف موسع را مقدم دارد و مضیق ترک شود، فوت آن به خود مکلف نسبت داده می‌شود.^{۱۴}

۱۴ ر.ک به: سید محمد سرور بهسودی، مصباح‌الاصول (تقریرات درس خارج اصول سید ابوالقاسم



ب) عبادات استحبابی

از توضیحات قبل روشن می‌شود که عبادات استحبابی مانند مباحات است و حق الزامی شخص دیگر مانند زوج بر آن‌ها مقدم است و نهی شوهر از انجام این عبادات در صورت تنافی با حق قوامیت نافذ خواهد بود؛ ولی ادله قوامیت نسبت به لزوم اذن در انجام مستحبات، به طور مطلق اقتضایی ندارد. زیرا در ابتدا میان آن‌ها تنافی نیست و انجام مستحبات در بسیاری از موارد با حق زوج تنافی خارجی ندارد و به تعاملات زناشویی ارتباطی پیدا نمی‌کند. ما این نظریه را که تعلق حق شوهر به نفس زن موجب شود که تمام افعال ضد حق واجب شوهر، در سلطنت مرد قرار گیرد و اذن او به طور مطلق معتبر باشد،^{۱۵} باطل دانستیم و گفتیم سلطنت زن فقط در افعالی محدود می‌شود که در خارج با مطالبه‌ی واجب المراعات شوهر تنافی داشته باشد.

بررسی نصوص خاصه در موارد خاص

در دو مورد از عبادات یعنی روزه و حج زن روایاتی وجود دارد که به مسئله لزوم اذن شوهر پرداخته است. در این باره برداشت برخی فقها مختلف است که باید جداگانه بررسی شود تا اتفاق یا اختلاف مضمون این روایات با قاعده اولیه روشن گردد. مسئله اعتکاف نیز در فتاوای فقها مورد اهتمام است که به آن هم اشاره می‌کنیم.

الف) روزه گرفتن

در برخی روایات روزه زن مشروط به اذن شوهر شده است. در صحیح محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب زنی که از حقوق شوهر سوال کرده بود، فرمودند:

۱۵. ر.ک به: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۳۳۴

«آن تطیعه و لاتعصیه و لاتصدق من بیته الا باذنه و لاتصوم تطوعاً الا باذنه»^{۱۶}

این کلام به صورت تک جمله‌ای نیز از پیامبر ﷺ نقل شده است:

«لیس للمرأة ان تصوم تطوعاً الا باذن زوجها»^{۱۷}

در روایتی دیگر اذن در روزه مستحبی، طاعت زن شمرده شده است و زنی که بدون اذن روزه گرفته است، عاصیه خوانده شده است.^{۱۸} حداقل هفت روایت به این مضمون وجود دارد که برخی از آن‌ها مانند روایات بالا دارای سند معتبر است.

قدر متیقن از این اخبار حالتی است که روزه زن با حق واجب شوهر تنافی داشته باشد و او را از استمتاع محروم کند. ظاهراً در این فرض اختلافی بین فقها وجود ندارد و امری مطابق قاعده است. پس ذکر روزه در روایت بدین جهت است که هم به لحاظ شرعی و حرمت نزدیکی در حال روزه و هم به لحاظ خارجی و غلبه ضعف و کسالت و بی‌رغبتی به استمتاع بر روزه‌دار، تنافی آن با حق زوج واضح‌تر بوده و بیشتر مورد ابتلاست.

اما در مورد این که آیا این اخبار اختصاص به فرض مذکور دارد یا حقی بیشتر را برای زوج اثبات می‌کند، میان فقها اختلاف است.

برخی روزه بدون اذن را به طور مطلق باطل می‌دانند، چه شوهر بعداً از آن نهی کند یا نکند.^{۱۹} عده‌ای نیز آن را به طور مطلق مکروه می‌دانند.^{۲۰}

۱۶. ر.ک به: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۲۷، ح ۱ و ۳

۱۷. همان

۱۸. ر.ک به: همان، ص ۵۳۰، ح ۱ و ۳

۱۹. ظاهراً این قول مشهور است و در جواهر الکلام درباره آن، نقل اجماع شده است و مخالفت با آن در میان قداماً فقط به سید مرتضی و سلار و ابن حمزه که قائل به کراهت شده‌اند، نسبت داده شده

است (ر.ک به: محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۳۰)

۲۰. ر.ک به: همان



برخی دیگر میان اذن سابق و نهی شوهر فرق گذاشته و گفته‌اند اگر زن بدون اذن و اطلاع شوهر روزه بگیرد، صحیح است و اگر شوهر او را نهی کند روزه گرفتن بر او حرام است.^{۲۱} صاحب جواهر حرمت روزه در صورت نهی شوهر را مظنه اجماع می‌داند.^{۲۲}

برای شناخت مستند این اقوال لازم است به روایت علی بن جعفر از امام کاظم علیه السلام نیز توجه کنیم. وی می‌گوید:

«سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلْهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا - قَالَ لَا وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ - أَلْهَا أَنْ تَصُومَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا قَالَ لَا بَأْسَ»^{۲۳}

در این روایت روزه بدون اذن شوهر جایز شمرده است. کسانی که روزه مستحبی زن را بدون اذن شوهر مطلقاً حرام می‌دانند به روایات گذشته عمل می‌کنند و این روایت را بر روزه واجب حمل می‌کنند.^{۲۴}

و کسانی که آن را به طور مطلق مکروه می‌دانند، این روایت را بر روزه مستحبی حمل می‌کنند و جمع میان آن روایات ناهیه و این روایت صریح در جواز در موضوع واحد را به حمل نهی بر کراهت می‌دانند.^{۲۵} و کسانی که قائل به تفصیل هستند، روایات گذشته را به طور مطلق ظاهر در حرمت می‌دانند و این روایت را منحصص قرار می‌دهند. به عبارت دیگر آن روایت شامل دو صورت می‌شود، صورتی که شوهر اذن ندهد ولی نهی هم نکند و صورتی که شوهر اذن ندهد و نهی هم کند. این روایت

۲۱. رک به: سید محمد باقر صدر، *المجموعه الکامله للمولفات*، ج ۱۴ منهاج الصالحین، ص ۴۰۲؛

سید محسن حکیم و سید محمد باقر صدر، اذن را احتیاط استجابی دانسته‌اند.

۲۲. رک به: محمد حسن نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۱۷، ص ۱۳۲

۲۳. رک به: حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۱۵۹

۲۴. رک به: یوسف بن احمد بحرانی، *الحدائق الناظرة*، ج ۱۳، ص ۲۰۵

۲۵. همان



ضرورت اول را خارج می‌کند و می‌گوید روزه بدون اذن سابق و اطلاع شوهر اشکالی ندارد؛ اما نسبت به روزه مقرون به نهی ساکت است. علاوه بر آن که حرمت این فرض مظنه اجماع نیز می‌باشد و دیگر اینکه در روایت هشام عنوان اطاعت از شوهر و عاصی بودن زن مطرح شده بود و تحقق این عناوین تابع وجود امر یا نهی است، چنان که در *جواهر الکلام* آمده است.^{۲۶}

قبل از توضیح نظر خود، لازم می‌دانیم دو نکته را تذکر دهیم:

اول آن که روایت علی بن جعفر را نمی‌توان بر روزه واجب حمل کرد؛ زیرا احتمال این که شخصیتی چون او نداند روزه واجب نیازمند کسب رضایت شوهر نیست، بسیار بعید است بنابراین مراد از صوم در سوال، روزه مستحبی است و از جمله شواهد این مطلب آن است که سوال اول از حق زن در خروج از منزل گویای آن است که وی در مقام سوال از اموری است که فی حد ذاته در اختیار زن است و حکم شرعی و حق الهی در آن وجود ندارد و او در مورد تاثیر ازدواج و حقوق شوهر بر سلطنت زن در امور مباح سوال می‌کند.

نکته دوم آن که در روایت هشام بن حکم از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده است که

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«مَنْ فَهِهُ الضَّيْفُ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ - وَمِنْ طَاعَةِ الْمَرْأَةِ لِرَوْجِهَا - أَنْ لَا تَصُومَ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِهِ وَآمْرِهِ - وَمِنْ صَلَاحِ الْعَبْدِ وَطَاعَتِهِ وَنَصِيحَتِهِ لِمَوْلَاهُ - أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ مَوْلَاهُ وَآمْرِهِ - وَمِنْ بَرِّ الْوَلَدِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ أَبِيهِ - وَآمْرِهِمَا وَإِلَّا كَانَ الضَّيْفُ جَاهِلًا وَكَانَتْ الْمَرْأَةُ عَاصِيَةً - وَكَانَ الْعَبْدُ فَاسِداً عَاصِياً وَكَانَ الْوَلَدُ عَاقاً»^{۲۷}

برخی با مطرح کردن این مطلب که عدم اذن در موارد مذکور موجب تحقق عنوان

۲۶. رک به: محمد حسن نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۱۷، ص ۱۸۸

۲۷. رک به: حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۰، ص ۵۳۰، ح ۲



عاصی در زن، فاسق در عبد و عاق والدین در فرزند نمی‌شود، عقیده دارند که روایت نسبت به این اوصاف دارای مبالغه است و بر کراهت روزه بدون اذن در این موارد دلالت دارد. ولی به نظر ما عناوین بالا کاملاً حساب شده مطرح شده است و مبالغه‌ای در کار نیست و این نکته از اختلاف در اوصاف و تعبیر فهمیده می‌شود.

در مورد میهمان که رابطه حقوقی مطرح نیست و بحث ادب و اخلاق حسنه بین میهمان و میزبان مطرح است، اذن میهمان نشانه دین‌شناسی او دانسته شده است؛ یعنی ناسک دین‌شناس که رغبت‌ها و محبوبیت‌های شارع را می‌شناسد، این را می‌داند که رعایت ادب نزد میزبان اقتضا می‌کند که بدون رضایت و اجازه او چنین کاری نکند و موجب رنجش خاطر او نشود، چنان که ترک روزه و افطار در صورت دعوت به غذا، مطلوب شارع بوده و به آن سفارش کرده است.

پس کسی که به گمان فضیلت روزه، رعایت ادب و احترام نمی‌کند، جاهل است؛ یعنی مطلوب شارع را تشخیص نمی‌دهد؛ ولی حق الزامی را تضييع نکرده است تا عاصی یا فاسق باشد.

اما در مورد آن سه گروه دیگر که رابطه حقوقی وجود دارد و طاعت و خیرخواهی و احسان واجب است، خروج از این حدود موجب صدق حقیقی عنوان عصیان و فسق و عقوق است. حال اگر علم داشته باشیم که مجرد عدم اذن حتی در صورت عدم تنافی با حقوق ایشان، شخص را از دایره اطاعت و خیرخواهی و احسان خارج نمی‌کند، ناگزیر باید مورد روایت را جایی بدانیم که روزه گرفتن مستلزم نافرمانی در برابر شوهر یا مولا و یا حقوق والدین می‌شود، نه این که آن را حمل بر مبالغه کنیم.

خلاصه اینکه استفاده از عناوین تکلیفی و حقوقی در سه مورد مذکور بر خلاف مورد اول، کاشف از تبیین رابطه حقوقی الزامی است و حمل روایت بر الحاق تبعیدی مصادیق غیرحقیقی عناوین مذکور به مصادیق حقیقی آن قابل پذیرش نیست و ملاکی در آن دیده نمی‌شود. بدین جهت مراد روایت را تحقق نافرمانی در فرض منافات



روزه زن با حقوق شوهر، می‌دانیم که البته به نظر ما اختصاصی به استمتاع هم ندارد و همین طور در دو مورد دیگر. این مطلب هرچند طبق قاعده است، اما شارع به تبیین آن در مورد روزه و حج و اعتکاف اهتمام ورزیده است؛ زیرا می‌خواسته عباداتی که خیلی مورد ابتلاست، دستاویزی برای تضييع حقوقی دیگران قرار نگیرد.

با این توضیح روشن می‌شود که ما نمی‌توانیم این روایات را فارغ از چارچوب حقوق طرفین بررسی کنیم. زیرا اولاً این روایات در مقام بیان حقوق ناشی از زوجیت است، نه بیان یک شرط تعبدی برای روزه مستحبی. چنان که در روایت بالا و در صحیح محمد بن مسلم و مانند آن که از حق شوهر بر زن سوال می‌شود، مشهود است. ثانیاً بر خلاف قسم خوردن یا نذر کردن زن، در این گونه عبادات مستحبی که در اولین نگاه تنافی آن با حقوق شوهر و تکالیف زن و اقتضائات همسری او دیده می‌شود، احتمال وجود ملاکی دیگر به هیچ عنوان داده نمی‌شود.

بنابر این نهی از روزه مستحبی بدون اذن را به موارد تنافی مزبور حمل می‌کنیم و روایت علی بن جعفر را ناظر به روزه مستحبی زن فی حد نفسه می‌دانیم. پس اگر شوهر غایب است و امکان استمتاع ندارد یا مسئله مقرون به اموری نیست که موجب اختلال در امور زناشویی یا دخالت در حوزه حق مدیریت و تدبیر او شود، موافقت او لازم نیست و روزه زن حتی در صورت نهی شوهر صحیح است و حرمتی ندارد، گرچه رعایت احتیاط مستحب و مطلوب است. زیرا در فرض نهی، بسیاری از فقها به حرمت فتوا داده‌اند.

ب) حج زوجه

گاهی حج واجب ذاتی است و آن «حَجَّةُ الْاِسْلَام» است و گاهی واجب عرضی است، مانند حج نذری یا استیجاری و گاهی مستحب است.



حج واجب

درباره حج زوجه روایاتی وجود دارد که صریحا حق اطاعت شوهر را در انجام حجة الاسلام نفی کرده، اذن او را لازم ندانسته و نهی او را فاقد اعتبار می‌شمارد.^{۲۸} در این مسئله اختلافی وجود ندارد^{۲۹} و حکم روشن است. گفتنی است وجهی برای اختصاص نصوص مذکور به حج مستقر وجود ندارد؛ چرا که روایت صحیحه معاویه بن وهب و قول حضرت که فرمود: «لا طاعة له عليها في حجة الاسلام»^{۳۰} به طور مطلق دلالت بر الغای حق اطاعت مرد در حجة الاسلام می‌کند؛ چه در سال‌های قبل حج دارای وجوب فعلی بوده و بر ذمه او استقرار پیدا کرده باشد و چه اولین سالی باشد که شرایط وجوب حاصل شده است.

اما در مورد حج واجب عرضی مانند حج نذری، میان فقها اختلاف است.^{۳۱} ما در اینجا وارد تفصیل بحث نمی‌شویم و به طور خلاصه می‌گوییم که این نذر باطل است؛ زیرا صحت نذر زن در مواردی که با حق شوهر در تنافی باشد، موقوف بر اذن اوست. حق قوامیت مرد مستلزم اذن اوست و صحت انشئات و تعهدات زن که در تنافی با حقوق مرد است، مشروط به رضایت مرد می‌باشد. چنان که در مورد اجاره نفس و قرارداد کار و اشتغال زن نیز چنین گفته‌اند. وجه این سخن، عدم سلطنت زن در تصرفات و تعهداتی است که در تنافی با حق شوهر است. برخی نیز به مرجوحیت این حج و بطلان نذر از جهت حرمت متعلق تکلیف در حال عمل استدلال کرده‌اند.^{۳۲}

۲۸. ر.ک به: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۵

۲۹. ر.ک به: ملا احمد نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۱

۳۰. ر.ک به: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۶

۳۱. ر.ک به: سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع تعلیقات عدة من الفقهاء، ج ۴، ص ۴۵۱،

مسئله ۷۹

۳۲. ر.ک به: سید ابوالقاسم خویی، شرح العروة الوثقی، ج ۲۶، ص ۲۲۲

در این مسئله فروعاً زیاد است و نمی‌توان با الغای خصوصیت و تنقیح مناط در روایاتی که لزوم اطاعت از شوهر را در حجة الاسلام ملغی می‌کند، عدم شرطیت اذن شوهر را نتیجه گرفت؛^{۳۳} زیرا آن اخبار به حجة الاسلام اختصاص دارد.^{۳۴} مشهور فقها مانند سید صاحب العروة و کسانی که برای این کتاب تعلیقه زده‌اند، اذن شوهر را در صحت نذر زن شرط می‌دانند، با توجه به این نظر، نفی شرطیت اذن در صحت حج نذری مضیق را باید به موارد صحت و انعقاد آن حمل کرد؛ مثل مواردی که زن در حال نذر اذن گرفته است یا قبل از ازدواج نذر کرده است. در عین این‌که باید ادله لزوم اذن را بر خصوص حال زوجیت و ثبوت حق شوهر حمل کنیم، چنان‌که برخی گفته‌اند.

درباره حج واجب استیجاری زن نیز در صورتی که عقد اجاره پس از ازدواج باشد، در بطلان عقد اجاره منافی با حق قوامیت شوهر شکی نیست و اگر قبل از ازدواج باشد، بحث‌هایی مطرح است که در مسئله اشتغال زن گذشت. صحیح در نظر ما این است که ازدواج لاحق، کاشف از عدم سلطنت زن بر ایجار نفس نسبت به عمل آینده است و موجب بطلان می‌شود، مگر آن‌که با حق قوامیت مرد تنافی نداشته باشد یا او اذن دهد.

حج مستحبی

درباره حج استحبابی زن روایتی وجود دارد که طبق آن، شوهر می‌تواند زن را از رفتن به حج منع کند. این روایت موثقه اسحاق بن عمار است که از زنی سوال

۳۳. مرحوم سید یزدی در العروة الوثقی اذن شوهر را در نذر حج مضیق شرط نمی‌داند و برخی وجه آن را الغای خصوصیت از روایات یا ادعای اجماع و یا تمسک به عبارت «لاطاعة لمخلوق فی معصية الخالق» دانسته‌اند. (رک به: سید محسن حکیم؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۲۷)

۳۴. رک به: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۵، ح ۱ و ۳



می‌کند که حجة الاسلام را به جا آورده و توان مالی دارد و از شوهرش می‌خواهد او را از مال شخصی به حج بفرستد. آیا شوهر او حق مخالفت دارد؟ حضرت فرمودند: بله و به زن می‌گوید در این مسئله حق من بر تو اعظم از حق تو بر من است.^{۳۵}

اصل این مسئله مورد اجماع فقهاست که به صورت‌های مختلف بیان شده است؛^{۳۶} ولی برخی اشکال کرده‌اند که این روایت اختصاص به فرض مخالفت و منع شوهر دارد، نه اینکه اذن گرفتن را به طور مطلق واجب دانسته و حج بدون اذن را حتی اگر بدون نهمی هم باشد ناصحیح بدانند.^{۳۷}

برخی با پذیرش اشکال به سراغ ادله حرمت خروج زن از منزل بدون اذن زوج رفته‌اند و با استدلال به آن اذن در سفر به مکه را لازم دانسته‌اند.^{۳۸}

به نظر ما موثقه اسحاق ناظر به قاعده اولیه است که حق اطاعت را برای شوهر در انجام مستحباتی که با قوامیت او تنافی داشته باشد، به رسمیت می‌شناسد و تعبیر به این که برای شوهر حق منع وجود دارد، به جهت تناسب با سوال است که شخص از حق منع در مورد درخواست زن برای حج رفتن می‌پرسد (الا ان یمنعها، قال نعم)؛ بنابراین فرقی در این مورد بین اذن و منع شوهر نیست و شاهد آن، ادامه روایت است که حضرت به حق شوهر اشاره می‌کند:

«يقول لها حقی عليك اعظم من حقی علی فی هذا»

این همان حق قوامیت مرد است که قبلاً به آن پرداخته‌ایم و اقتضای آن لزوم اذن و کسب موافقت از شوهر و تبعیت از او در صورت نهمی است.

روایات حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر نیز به نظر ما ناظر به همین

۳۵. ر.ک به: حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۵۶، ح ۲

۳۶. ر.ک به: سید محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۲۸

۳۷. ر.ک به: محمد بن علی عاملی، مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۹۱

۳۸. ر.ک به: سید محسن حکیم، مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۲۸

حق سرپرستی و تدبیر امور زندگی مشترک است، نه اینکه موضوعیتی برای خروج از منزل در کار باشد؛ بنابراین اگر حج رفتن زن هیچ اصطکاک با حقوق استتماعی یا قوامیت و حق سرپرستی شوهر پیدا نکند، اذن شوهر اعتباری ندارد؛ مثلاً اگر شوهر به مدت طولانی محکوم به زندان شده است و امکان ملاقات هم در مدت سفر زن وجود ندارد یا غیبت زن و سفر رفتن او بدون همراهی شوهر دارای بعد منفی نیست مثلاً با فرزندان به حج می‌رود یا این‌که شوهر بیمار است و برای مدت طولانی باید بستری باشد و درحالت بیهوشی یا شبیه به آن است. در این موارد اذن گرفتن از او دلیلی ندارد و هیچ کدام از ادله عامه حق اطاعت شوهر و حرمت خروج بدون اذن و موثقه اسحاق شامل این فرض‌ها نمی‌شود.

ج) اعتکاف

در مورد اعتکاف زن روایت خاصی وجود ندارد و باید به مقتضای قاعده‌ی اولیه در اعمال مستحبی زن مراجعه کرد. از آن‌جا که سه روز در مسجد ماندن و روزه گرفتن غالباً با حقوق شوهر منافات دارد، لزوم اذن گرفتن و اطاعت از شوهر واضح است؛ ولی اگر فرض کنیم چنین منافاتی وجود ندارد و مطالبه شوهر در حوزه قوامیت او قرار نمی‌گیرد، دلیلی بر لزوم اطاعت و اذن گرفتن از سوی زن نداریم. فقهای عظام نیز این مسئله را از جهت منافات اعتکاف با حق نهی کردن شوهر از خروج از منزل و لزوم اذن گرفتن در روزه گرفتن که از اعمال اعتکاف است، بررسی کرده‌اند.^{۳۹} ما اطلاق روایات لزوم اذن گرفتن در روزه مستحبی را نپذیرفتیم و در این مسئله همان مقتضای قاعده اولیه را قبول می‌کنیم.^{۴۰}

۳۹. رک به: سید محمد کاظم طباطبایی یزدی؛ العروة الوثقی مع تعلیقات عدة الفقهاء، ج ۳، ص ۶۷۲
۴۰. رک به: سید ابوالقاسم خویی، شرح العروة الوثقی، ج ۲۲، ص ۳۶۷؛ محمد حسن نجفی؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۱۷۵



فهرست منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناظرة فى احكام العترة الطاهرة*، تحقيق: محمد تقى ايروانى و سيد عبدالرزاق مكرم، ۲۵ جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامى، ۱۴۰۵ق.
۳. بروجردى، مرتضى، *موسوعة الامام الخوئى، (المستند فى شرح العروة الوثقى)*، تقارير درس خارج فقه سيد ابوالقاسم خويى، قم: موسسه احياء آثار الامام الخويى، ۱۴۲۶ق.
۴. بهسودى، سيد محمد سرور، *مصباح الاصول*، قم، كتابفروشى داورى، ۱۴۱۷ق.
۵. حكيم، سيد عبد الصاحب، *منتقى الاصول*، تقارير اصول سيد محمد حسيني روحانى، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق.
۶. حكيم، سيد محسن، *مستمك العروة الوثقى*، بيروت: دار احياء التراث العربى.
۷. حكيم، سيد محمد سعيد، *منهاج الصالحين*، بيروت، دار الصفوة، ۱۴۱۵ق.
۸. صدر، سيد محمد باقر، *المجموعه الكامله للمولفات: منهاج الصالحين*؛ دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۰ق.
۹. طباطبايى، سيد محمد كاظم، *العروة الوثقى مع تعليقات عدة من الفقهاء العظام*، مؤسسة النشر الاسلامى، ۱۴۲۰ق.
۱۰. طباطبايى، سيد محمد كاظم، *العروه الوثقى*، تهران: المكتبة العلميه الاسلاميه، ۱۳۹۹ق.
۱۱. عاملى، محمد بن على موسوى، *مدارك الاحكام فى شرح عبادات شرائع الاسلام*، ۸ جلدی، بيروت: موسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۱ق.
۱۲. عاملى، حرّ، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة*، ۳۰ جلد، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.



۱۳. کاظمی خراسانی، محمد علی، *فوائد الاصول*، تقریرات درس اصول محقق محمد حسین نائینی، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۶ق .
۱۴. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الكافی*، ۸ جلدی، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۱۵. نجفی، محمد بن حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تحقیق: عباس قوچانی، ۴۳ جلدی، چاپ هفتم، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. نراقی، ملا احمد، *مستند الشیعه فی احکام الشریعة*، ۱۹ جلدی، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۵ق.

